

احکام سیر و سیاحت

محسن احمدی

تابستان، فصل سفر است؛ نه به این معنا که دیگر ایام سال، سفر نمی‌رویم یا نمی‌چسبند! بلکه به این معنا که هوای نسبتاً مناسب و تعطیلات فراوان باعث می‌شود که حس و حال سفر بیشتر شود و یک‌جورهایی آدم را از خانه بیرون بکشد. احتمالاً به همین دلیل هم هست که یکی از موضوع‌های همیشگی معلم‌های انشاء موضوع «تابستان خود را چگونه گذرانده‌اید» است، چون پیشاپیش معلوم بوده که تقریباً همه سفر رفته‌اند و حرفی برای گفتن دارند! برای همین، در این شماره، احکام ما هم رنگ و بوی سفر گرفته تا یک سری قواعد سیر و سیاحت دینی هم یادمان باشد. اگرچه احکام و توضیحات بیشتر را باید در رساله مرجع تقلیدتان پیدا کنید.

سفر، خوب است!

اولین نکته این که در دین ما درباره سفر کردن، کلی توصیه و سفارش شده است. حتماً این آیه قرآن را شنیده‌اید که می‌گوید: قل سیروا فی الارض... یعنی ای پیامبر به مردم بگو در زمین، سیر و سیاحت کنند؛ بنابراین به جای یک‌جا نشستن بهتر است گاهی ساک انگیزه را برداشت و کوله سفر را بست و دل سپرد به جاده.

سفر هم حرام می‌شود هم واجب!

شاید باور نکنید اما سفر هم مثل خیلی از چیزهای دیگر انواع مختلف احکام شرعی دارد؛ از واجب و حرام گرفته تا مستحب و

مکروه و مباح. سفر واجب مثل سفر حج که برای کسی که توانایی مالی و جسمی‌اش را دارد، یک‌بار در عمرش واجب می‌شود. به این حج در اصطلاح «حج تمتع» می‌گویند.

هم‌چنین اگر کسی نذر کند برای رفتن به یک سفر، باز هم آن سفر برایش واجب می‌شود. مثل

کسی که نذر کند اگر در فلان امتحان قبول شوم بروم مشهد مقدس. لازم نیست بگوییم که

نباید سفرهای تفریحی را توی نذر آورد و مثلاً گفت اگر در فلان درس نمره بگیرم، بروم گشت‌وگذار

در دامنه‌های دماوند! اما به‌نظر شما چه سفری حرام است؟ یکی از نمونه‌های سفر حرام، سفری است که

باعث آزار پدر و مادر یا نارضایتی آن‌ها شود. در این صورت اگر فرزند به آن سفر برود، کار حرامی کرده است. سفرهای مستحبی زیادی هم



سفر کی تمام می شود؟

از نظر مردم، یک سفر زمانی تمام می شود که مسافر به خانه اش برگردد، اما از نظر دین یک سفر وقتی تمام می شود که فرد یا به وطنش برسد، یا به جایی برسد که بخواهد ده روز در آن جا بماند. در این دو مکان، مسافر ما دیگر در سفر حساب نمی شود و لازم است در این مکان ها هم روزه بگیرد و هم نمازهایش را کامل بخواند.

سفر آداب دارد

غیر از بستن ساک و برداشتن لوازم ضروری و... سفر آداب دیگری هم دارد. هرچند این آداب مستحب هستند اما هم وقت چندانی نمی گیرند و هم به سفر حالت معنوی می بخشند. مواردی مثل آغاز سفر با نام خدا، صدقه دادن، خواندن دعاها و سفر، قرائت سوره هایی از قرآن و به همراه داشتن تربت امام حسین علیه السلام و... از آداب سفر هستند. یکی از همین آداب که همه آن را دوست دارند و خواسته یا ناخواسته به آن عمل می کنند، خرید سوغاتی است. در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم «هنگام بازگشت از سفر برای خانواده خود سوغات بیاورید، هرچند قطعه سنگی باشد.» البته باید مراقب بود که خرید سوغات به خصوص در سفرهای زیارتی همه وقت و حواس ما را نگیرد و از هدف اصلی مان باز نمانیم.

خدا در سفر هم هست!

قبلاً هم گفتیم که کار دین، تعطیل بردار نیست و در اوقات مختلف و شرایط متفاوت نمی توان احکام آن را حذف کرد؛ بنابراین در سفر هم نماز واجب است. هم چنان که نگاه و ارتباط با نامحرم در سفر هم حرام است. حق الناس هم در دین اسلام ارزش و اهمیت بسیاری دارد که مخصوصاً در سفر باید به آن توجه بیشتری بشود؛ چراکه بیشتر کسانی که در سفر با آن ها برخورد داریم افرادی هستند که احتمال دیدن دوباره آن ها ضعیف است و سخت می توان در آینده از آنان حلالیت گرفت. از موارد حق الناس در سفر، خراب کردن وسایل تقلیه عمومی یا خصوصی، آسیب رساندن به اماکن و وسایل آن ها و ندید گرفتن حقوق دیگران و آسیب رساندن به محیط زیست است.

داریم مثل سفر برای زیارت بارگاه های ائمه یا سفر حج غیر واجب (عمره) و یا سفر برای یاد گرفتن دانش. در بعضی از ایام هم سفر کردن مکروه است.

حد دینی سفر

از آن جایی که سفر کردن از نظر دینی احکام خاصی دارد، باید مشخص شود که منظور از سفر در اسلام چیست. اسلام، سفر را پیمودن یک مسیر با قصد مسافرت دانسته، حد ابتدایی آن را هم مشخص کرده و گفته اگر کسی به مقصدی برود که تا آن جا حداقل ۲۲/۵ کیلومتر باشد و همان راه را هم برگردد، مسافر است. با این حساب اگر کسی همین طور تفریحی و گذری و بدون هیچ قصدی دل به جاده بدهد، اگر حتی بیشتر از این مسافت را هم برود، مسافر نیست، چون قصد مسافرت نداشته است. سفر کردن غیر از این، شرایط دیگری هم دارد که در رساله های توضیح المسائل آمده است.

نماز و روزه در سفر

اگر مسافر از نظر دینی سفرش درست باشد، باید نمازهای چهار رکعتی اش را دورکعتی بخواند (پس نماز صبح و مغرب شکسته نمی شود). و روزه هم اگر دارد، باید آن را افطار نماید و بعداً آن را قضا کند؛ البته مسافر ما نمی تواند از همان خانه نمازش را شکسته بخواند و روزه اش را افطار کند بلکه برای این کار باید یک فاصله ای را با قصد سفر طی کند. به این فاصله استاندارد، حد ترخص می گویند. ترخص یعنی آزاد شدن و بعد از این حد، مسافر می تواند احکام مربوط به خودش را عمل کند. یک نکته دیگر این است که برای شکسته شدن نماز و افطار روزه، سفر نباید حرام باشد. پس اگر پدر و مادری فرزندان را از رفتن به سفری باز داشتند و او بی رضایت و به زور رفت باید نمازش را کامل بخواند و روزه اش را هم بگیرد (اگر در ماه رمضان است) حتی اگر مقصدش خیلی دور هم باشد.